

تحلیل فیلم های تربیتی
خانم علی بخشی
کلاس های مدرسه عالی تربیتی مادران
۱۴۰۰/۹/۱۱

اللهم صل علی فاطمه و ابیها و بعلمها و بنیها و سرالمستودع فیها بعدد ما احاط به علمک
خدمت همه مادران گرامی سلام عرض می کنم. خداوند را شاکرم که این فرصت را به بنده داد که دوباره در خدمتتان باشم.

مادران گرامی، همان طور که ما می دانیم، افرادی که می آیند برای مخاطبین شان برنامه ریزی می کنند باید اول یک شناخت کاملی در مورد مخاطب داشته باشند تا برنامه ریزی شان طبق اهداف تعیین شده برای جذب مخاطب بیشتر باشد و اثری را که می خواهند بگذارد. اگر ما مخاطب را نشناسیم و ویژگی هایش را بلد نباشیم قطعاً شکست می خوریم. حالا افرادی که فیلم، انیمیشن یا بازی برای کودک و نوجوان می سازند، قطعاً یک روان شناسان زبده و کارکشته ای پشت سر آنها هستند یا حتی افرادی که در آن کشور و جامعه تحقیق می کنند و مخاطب شناسی می کنند که مثلاً الان ذائقه های بچه های 7 ساله اینطوری است؛ حالا من که می خواهم فیلم بسازم بر اساس ذائقه های آنها شروع می کنم به فیلم ساختن. حالا اگر من سازنده، افکار خوبی داشته باشم و بخواهم که چیزهای خوب را در جامعه القا کنم، بر اساس شناختی که از آن مخاطبم کسب کردم، بر اساس ویژگی های مخاطبم برنامه ریزی و فیلم سازی می کنم. خدای ناخواسته اگر من پشت این قضیه اهداف شومی داشته باشم و بخواهم آنچه که در سر خودم می گذرد و باورهای خودم هست یا حتی باورهای سیاست گذاران جامعه ای من را به آن مخاطب سنی القاء کنم، وقتی علایق و ویژگی های مخاطبم را می شناسم آنچه را که می خواهم دریافت می کنم و آنچه که خودم دلم می خواهد را به خوردش می دهم! یعنی اگر بخواهم فکرش را مسموم کنم یا حتی رشد بدهم از این شناخت استفاده می کنم. برای ما والدین در درجه ی اول، و در درجه ی دوم در گروهی شرکت کرده ایم که می خواهیم تحلیل فیلم یاد بگیریم، باید مخاطب شناسی هم بلد باشیم. اگر خاطرتان باشد ما در مورد اینکه آمده اند سنین مختلف را رده بندی کرده اند مثلاً 9+ سال یا 12- سال یا 18+ سال یا از این دست، صحبت کردیم. ولی الان می خواهیم ببینیم چرا رده بندی های سنی اتفاق افتاده من مخاطب شناسی کنم. منی که می خواهم تحلیل فیلم کنم اگر امروز رفتم جایی از من خواستند که انیمیشنی را تحلیل کنم یا اینکه نه، کنار فرزندم نشسته ام و می خواهم ببینم آیا این کارتون اصلاً مناسب او هست. یک نفر یک سی دی هدیه برای فرزندم آورده، من ببینم اصلاً مناسب سن فرزندم هست یا نه؟ اینکه من مناسب بودن را تشخیص بدهم یا نه، بستگی به این دارد که من بیایم ویژگی های روان شناختی یا رشد روانی فرزند را در سنین مختلف بشناسم. بین روان شناسان، روان شناسی رشد را آقای پیازده در موردش صحبت کرده، آقای اریکسون هم در مورد روان شناسی رشد خصوصاً در مورد نوجوانی و بحران هویت خیلی حرف زده، ما بیشتر می خواهیم تمرکز کنیم روی این قضیه که به صورت کاربردی آنچه را که علم گفته ساده و روان کنیم و حداقل به عنوان یک مادر یک سری اطلاعات را داشته باشیم.

قبلاً گفتم بچه‌های این نسل از وقتی که متولد می‌شوند به جز پدر و مادر یا خواهر و برادر، عضو دیگری هم در کنارشان هست و آن، تلویزیون است. یکی از دلایل اعتماد کامل‌شان به آنچه که تلویزیون دارد می‌گوید همین مسئله است.

در مورد مراحل رشد، اول می‌آییم ببینیم بچه‌های زیر 7 سال چه ویژگی‌هایی دارند. به طور کلی بچه‌های زیر 7 سال هر چیزی را که به آنها گفته می‌شود یا می‌بینند باور می‌کنند. خصوصاً اگر از سمت خانواده باشد. چون ارتباط اصلی آنها با والدین است. آنها امنیت و آرامش را از والدین دریافت می‌کنند و هر چه را از والدین ببینند، باور می‌کنند. حتی اگر اشتباه باشد. کافی است من به عنوان والد مثلاً یک رفتار دروغی را انجام بدهم و بچه‌ام دروغ را یاد می‌گیرد. یا اینکه در خانه راستگو باشم، فرزندم راستگو می‌شود. پس هر آنچه را هم که تلویزیون می‌گوید بچه‌های زیر 7 سال باور می‌کنند. این نکته خیلی مهم است که هر چقدر ما سعی کنیم ساعت تماشای تلویزیون یا فیلم دیدن بچه‌ها کمتر بشود، بیشتر کمک کردیم. چون همیشه در همه حال من مادر نمی‌توانم کنار فرزندم بنشینم و تک تک فیلم‌ها رو ببینم. گاهی فرصت می‌کنم کنارش بنشینم در مورد آن کارتون صحبت کنیم.

ویژگی‌های بچه‌های 4 ساله این است که کاملاً از والدین‌شان کپی برداری می‌کنند. خیلی دوست دارند رفتار آدم‌های بزرگسال را تقلید کنند. دیدید که پایشان را در کفش باباها و مامان‌ها می‌کنند؟ بعد دل‌شان می‌خواهد ادای بزرگترها را در بیاورند؟ بستگی دارد که چقدر به آن بزرگتر ابراز علاقه می‌کنند و آن محبوبیت در والدین نسبت به آن فرزند چقدر شکل گرفته. بچه‌های 4 ساله دایره‌ی لغات‌شان خیلی کامل می‌شود. یعنی اگر بچه‌ی 3 ساله 30 یا 40 کلمه بیشتر بلد نباشد، در 4 سالگی می‌بینیم که صدها کلمه را بلدند! چون صدها کلمه را بلدند، جالب این است که استفاده‌ی به جا و به موقع آن را هم تاحدودی بلدند! مادرانی که زیاد از لغات "البته" "اما" "اگر" یا تکیه کلام‌های دیگر استفاده می‌کنند، بچه‌ها هم همان‌ها را تکرار می‌کنند. اگر بچه یک کارتونی را زیاد ببیند از آن کلمه‌هایی که در آن کارتون گفته می‌شود در کلامش استفاده می‌کند. خیلی باید مراقب باشیم که ما با کلامان به آنها آسیب نزنیم. یعنی ادبیاتی که ما به کار می‌بریم باید ادبیات درستی باشد. اگر از ادبیات منفی توهین یا تحقیرآمیز استفاده کنیم نه تنها به فکر و ذهن بچه‌ها آسیب می‌زنیم بلکه ممکن است به جسم آنها هم آسیب برسد. چون من مادر عصبانی می‌شوم می‌گویم: می‌آیم تو را می‌زنم! ممکن هم هست هیچ وقت او را نزنم، ولی او می‌فهمد موقعی که عصبانی می‌شویم می‌توانیم او را بزنیم؛ یکباره می‌بینی خود او بچه‌ی دیگر یا مادرش را می‌زند.

بچه‌های 5 ساله تقریباً احترام گذاشتن را شروع می‌کنند به یاد گرفتن، یعنی می‌فهمند که باید به آدم‌ها احترام بگذارند. یک کوچولو تحمل کردن را هم دارند یاد می‌گیرند. الگوبرداری‌شان خیلی بیشتر می‌شود.

اگر من سازنده‌ی بازی یا فیلم هدفم مثبت باشد و نگاهم درست باشد سبک زندگی را روی چیزهای خوب می‌برم. اما اگر یک اهدافی پشت پرده داشته باشم، هدف‌هایی که می‌خواهم آنچه که سیاست‌گذاران جامعه‌ام یا اهداف شخصی خودم را به خورد مخاطب بدهم، با مخاطب شناسی می‌آیم آن سبک زندگی را که می‌خواهم برای آن مخاطب درست کنم، می‌شود تنوع طلبی، می‌شود اسراف یا همان جلوه‌گری و خودنمایی کردن؛ این یک مثال خیلی ساده‌اش است. معمولاً برای بچه‌های زیر 7 سال به جز هیجانات عاطفی که در

موردش صحبت می‌کنیم، یکی از موضوعاتی که برای زیر 7 سال ساخته می‌شود سبک زندگی‌ها هست. اگر شبکه پویا را دنبال کنید می‌بینید یک سری سبک زندگی مثل تشکر کردن، احترام به بزرگتر، مهربانی کردن، بخشندگی کردن، دو تا دوست با هم یک سری کارها را انجام بدهند، را ارائه می‌کند. اینها دامنه‌ی آن چیزهایی است که برای بچه‌های زیر 7 سال دارند می‌سازند.

بچه‌های 6 ساله، دامنه‌ی اعمال‌شان نسبت به بچه‌های 4 یا 5 ساله افزایش پیدا می‌کند. خیلی از کارها مثل ساخت و سازها، ارتباط گرفتن‌ها را می‌توانند انجام دهند. استقلال‌ی که یک بچه‌ی 6 ساله می‌خواهد داشته باشد خیلی بیشتر است. ما باید چند کار را به عنوان مادر دقت کنیم.

چون موضوع کلاس‌مان فرزندپروری نیست، من نکاتی را تیتروار خدمت شما می‌گویم و رد می‌شوم. اولین چیزی که برای بچه‌های زیر 7 سال باید به آن دقت کنیم بیان و کلام‌مان است. تن صدا و زبان بدن‌مان و حرف‌هایی است که می‌زنیم. بچه‌های ما هم الگو می‌گیرند هم به شدت واکنش نشان می‌دهند، که حالا آن احساس امنیت و عدم امنیت را دارند از ما دریافت می‌کنند. ما همچنین برای بچه‌های زیر 7 سال اجازه بدهیم یک سری از کارهایشان را مستقل انجام بدهند. همه‌اش نگوییم تو بلد نیستی، تو نمی‌توانی، بده خودم انجامش بدهم، الان خرابکاری می‌کنی، الان می‌شکند یا اینطوری می‌شود! اجازه بدهید یک سری از کارها را هر چند تا حدودی ناقص اما مستقل انجام بدهند تا کم کم یاد بگیرند. تا انجام ندهند یاد نمی‌گیرند و این مستقل شدن‌شان به تأخیر می‌افتد. هر چند برخی از والدین خودشان این وابستگی و دلبستگی را دارند ترجیح می‌دهند بچه‌ها مستقل نشوند که این غلط است و باید درمان شود.

نکته‌ی دیگری که باید دقت کنیم عدم مقایسه‌ی بچه‌ها با یکدیگر است که بسیار آسیب زننده است. و اینکه از حالت‌های خودمان بچه‌ها را آگاه کنیم. بچه‌های زیر 7 سال خیلی به زبان بدن مادر دقت می‌کنند. اگر امروز از چیزی ناراحتیم یا کج خلقیم یا بیمارم و کس دیگری مرا اذیت کرده الان ظرفیتم پایین است، به جای اینکه با بچه بداخلاقی کنم بگویم: خوب، حالا این که نوشتی، این که نقاشی کردی؛ برو حوصله ندارم. کمتر سر و صدا کن! حالا برو فعلاً یک کارتون ببین و اینقدر جلوی دست و پای من نباش، به جای این؛ حال خودم را با او در میان بگذارم. نه اینکه بنشینم با او درد و دل کنم بگویم: وای از دست این بابات، نمی‌دونی چه می‌کشم. از دست این مامان بزرگت، نمی‌دونی چه بلاهایی سر من میاره! هرگز این کار را نکنید. اما می‌توانم بگویم: مامان جان، من امروز زیاد حال روحی‌ام خوب نیست، به یکی دو ساعت استراحت احتیاج دارم. مامان اگر دیدی من امروز بداخلاقم، به خاطر تو نیست. خودم یک خورده کسل هستم. فقط حال روحی‌ام را مجاز هستم بگویم.

از نظر علمی می‌گویند وقتی داری یک کار فکری انجام می‌دهی برای کار فکری بعدی، اگر ده الی 15 دقیقه یک کار یدی انجام بدهی بهره‌ی هوشی‌ات سه برابر می‌شود. یعنی بهره‌ی گیرایی شما از آن کار فکری بعدی که می‌خواهد انجام شود سه برابر می‌شود.

کتاب "کلیدهای عادت دادن فرزند به کار در خانه" (انتشارات صابرین)، کتاب خیلی خوب برای بچه‌های دبستان و متوسطه و حتی زیر دبستان است. یک سری خلاقیت‌ها و روش‌ها را دارد که باعث می‌شود بچه‌ها در کار خانه مشارکت کنند.

یک سری ویژگی‌های بچه‌های زیر 7 سال را بگوییم. این بچه‌ها بازی کردن را خیلی دوست دارند. می‌توانند چهار حس هیجان اصلی مثل شادی، خشم، ترس و غم را بیان کنند. تخیل در این بچه‌های زیر 7 سال خیلی زیاد است. خصوصاً بین 4 تا 5 سال. مثلاً می‌آید می‌گوید من دیشب رفتم توی یک جنگلی، این کار را کردم، اگر من مادر ویژگی این بچه را ندانم می‌گوییم: عجب بچه‌ی دروغ‌گویی هستی! چه کسی به تو گفت دروغ بگی؟ زودی واکنش نشان می‌دهم. در صورتی که اگر بدانم بچه‌ها در این سن خیال پرداز می‌شوند به او می‌گوییم: چه داستان جالبی را گفتی. وای مامان، چقدر تخیلاتت قوی است. آفرین. فرق این دو را متوجه شدید؟

اولاً بگوییم زیر سه سال بازی، انیمیشن، فیلم و همه چیز ممنوع! جزو مادرانی نباشید که بچه‌ی شش هفت ماهه‌ی خودتان را جلوی تلویزیون دراز کنید بعد بروید کارهای خانه را انجام دهید. سن 6 و 7 سال به بعد کاردستی درست کردن شروع می‌شود. 9 سالگی اوج کاردستی درست کردن و خلاقیت‌شان است. بچه‌ها در این سن یک کوچولو به موسیقی علاقه‌مند می‌شوند و واکنش نشان می‌دهند. بعضی از کارتون‌ها با شعر و آواز خوانی برای این بچه‌ها ساخته می‌شود. به خاطر اینکه با ریتم هماهنگ حس خوبی می‌گیرند. خودشان دوست دارند سرود و آواز بخوانند و از این لذت می‌برند. حواس‌مان باید به این بچه‌ها اجازه‌ی اشتباه کردن بدهیم. یعنی مثلاً چیزی را گم کرد یا وسیله‌ای را خراب کرد یا پایش خورد لیوان آب ریخت، بگذاریم تجربه کند. نه اینکه من بگذار خطاهای بزرگ بکند. برای اشتباه آنها را دعوا نکنیم. باید ببینیم موضوع چیست. ما برای بچه‌های زیر 7 سال می‌گوییم بیشترین حالت این است که بچه‌ها با پیامد منطقی آن کاری که انجام دادند روبرو بشوند.

از جنبه‌های احساسات و هیجانات هم برنامه‌های برای بچه‌های زیر 7 سال می‌سازند. ولی چه فیلم‌ها و کارتون‌هایی برای زیر 7 سال مناسب است؟ هیجان‌هایی مثل از دست دادن، محروم شدن، شکست خوردن (اینها به اندازه‌ی خیلی لطیف‌شان مد نظر است، نه آن که برای 15 ساله‌ها می‌سازند که هم سرعت داستان و هم میزان هیجان‌اش خیلی بالاست).

معمولاً در سن 7 تا 12 سال، یک کوچولو شروع بلوغ دارد در بچه‌ها شکل می‌گیرد. دامنه‌ی ارتباطی بچه‌ها در این سن از والدین وسیع‌تر می‌شود. با دوستان‌شان ارتباط برقرار می‌کنند. مفهوم دوستی کم کم در آنها شکل می‌گیرد. ممکن است دامنه‌ی علایق‌شان وسیع‌تر شود به جز دوستان به خاله‌ای علاقه‌مند شود، به عمو یا معلم خیلی علاقه‌مند شود. دامنه‌ی ارتباطی دیگر از خانواده خارج می‌شود. دامنه‌ی دوستان و علایق‌شان بیشتر می‌شود. یک مقدار توجه به ظاهر و لباس و اینکه مرتب باشند بیشتر می‌شود. این مطلب کم کم تا 12 سال به صورت پلکانی افزایش پیدا می‌کند. یک مقدار رشد جسمی‌شان تکامل پیدا می‌کند. بچه‌ها در این سن تفکرشان منطقی‌تر می‌شود. از کلام و جملات پیچیده‌تری برای بیان صحبت‌هایشان استفاده می‌کنند. هر چقدر در این سنین ابراز می‌کنند که ما مستقل شده‌ایم و خیلی کارها را می‌توانیم بکنیم اما همچنان تقلیدپذیر هستند. در این سن می‌بینیم تقلید از رسانه و فیلم و انیمیشنی که می‌بینند خیلی زیاد است. حالا یا تکیه کلام‌هایی که در کارتون‌ها زیاد تکرار می‌شود را می‌گیرند و شعارهای آن بازی یا انیمیشن را دریافت می‌کنند. در پوشش آنها تقلیدپذیری کاملاً نمود پیدا می‌کند.

می‌گوییم رشد انتزاعی در این بچه‌ها در حال شکل‌گیری است. تفکر انتزاعی یعنی اینکه مثلاً الان من دارم صحبت می‌کنم، شما ظاهر کلام من را می‌گیرید. بچه‌های زیر 7 سال، فقط آنچه را که گفته می‌شود دریافت می‌کنند. ولی از 7 تا 12 سال، فکر و اندیشه‌ای که پشت این گفتار هست را هم توجه می‌کنند. به این، تفکر انتزاعی می‌گوییم. یعنی وقتی کارتونی را می‌بیند و شخصیت اصلی داستان یک کاری را انجام می‌دهد می‌گوید: این کار را به خاطر اینکه پدرش با او این کار را کرد انجام داد. بچه‌ی زیر 7 سال دیگر این مدلی فکر نمی‌کند. فقط می‌بیند که آن کار را کرد.

این بچه‌ها خیلی به زبان بدن مخاطب توجه می‌کنند. یعنی آن القائاتی که آن حس و کلام دارد می‌دهد را خیلی توجه و دریافت می‌کنند. می‌شود گفت تحلیل می‌کنند و تحلیل کردن را یاد می‌گیرند. یعنی به پشت پرده‌ی هر چیزی می‌توانند فکر کنند. دامنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی‌شان وسیع‌تر می‌شود. ارتباط با آدم‌های مختلف را کم کم یاد می‌گیرند. به سمت رفتارهای شادگونه بیشتر حرکت می‌کنند. با وجود اینکه فکر می‌کنند خیلی مستقل هستند ولی از دیگران خیلی تأثیر می‌گیرند. این دیگران محیط هم می‌تواند باشد. چون هنوز به آن بلوغ عقلی کامل نرسیده‌اند همچنان این تأثیرپذیری اتفاق می‌افتد. طرف مقابل که پدر و مادر هستند چه واکنشی نشان می‌دهند؟ می‌گویند: آفرین چه جالب. تو هم به چنین چیزی فکر می‌کنی؟ بچه‌ها کم کم در این سن برنامه‌ریزی کردن را یاد می‌گیرند. در این سن کم کم به جمع‌آوری یک سری اشیاء علاقه‌مند می‌شوند. مثلاً سنگ‌ها و گل سرهای مختلف در جعبه جمع می‌کنند. کارهای ظریف را کم کم می‌توانند انجام دهند مثل کوبلن یا گلدوزی یا در پسران کار با چوب، که قبلاً نمی‌توانستند و الان می‌توانند انجام بدهند. اوایل همه چیز را جمع می‌کنند، بعد می‌بینید به یک چیز محدود می‌شود.

پسر من فکر می‌کنم از ابتدای دبستان به این طرف، هر آنچه مداد اتود داشته را جمع کرده، حتی اگر مداد اتودی را به پدرش کادو داده‌اند، همه‌ی آنها را جمع‌آوری کرده و یک کلکسیون درست کرده. بعد به مرور زمان یک چیزی را انتخاب می‌کنند و نگه می‌دارند.

وقتی ما در مورد ویژگی‌های یک سری سنین حرف می‌زنیم، یا در مورد ویژگی‌های آقایان یا خانم‌ها حرف می‌زنیم، اینها ویژگی‌هایی نیست که صد در صد باید باشد یا اگر باشد عیب است و اگر نباشد نقص است. اصلاً اینطور نیست. بچه‌های ما ممکن است این ویژگی‌ها را داشته باشند. بنابر تحقیقات برخی از جامعه‌شناسان یا روان‌شناسان که درباره این گروه سنی انجام داده‌اند، گفتند این ویژگی‌ها در مورد آنها صدق می‌کند.

یکی از مادران فرمودند پسر دومم 12 ساله است. از بچگی اخلاقش اینطور بوده که اسباب‌بازی‌هایش را جمع می‌کرده، بعد در محیط خانه پخش می‌کرده. همه من را مسخره می‌کردند. خوب، بچه دوست داشته بیاورد بازی‌اش را بکند و جمع کند. اگر خود بچه دارد این کار را می‌کند هیچ اشکالی ندارد.

دیگه در مورد ویژگی‌های بچه‌های 6 تا 12 سال چه ویژگی‌هایی می‌توانیم بگوییم؟ این بچه‌ها کم کم یک استعدادهایی رو از خودشان نشان می‌دهند، چه دختر خانم چه آقا پسر می‌گوید من مثلاً استعداد ریاضی ام خیلی خوب است یعنی شروع استعدادیابی بچه‌ها هست. بعضی از بچه‌ها می‌آیند از پدر و مادر سؤال می‌کنند: به نظرت مامان من استعداد ویژه‌ای ندارم؟ یا کاردستی درست کردن یا هر چیزی را

که مهارتی کسب می کند حس میکند آن استعداد ویژه ای است که دارد. دنبال کشف استعداد ویژه ی خودشان هستند. به مرور هم یک استعداد خاصی را فرا می گیرند. خودشان دنبال استعداد ویژه هستند نه اینکه ما برویم آنها را ببریم بحث استعدادهای درخشان.

در این سن کم کم از دستور زبان های خاص هم استفاده می کنند. اشعار یا دیالوگ های خاصی که توی بعضی از فیلم ها یا انیمیشن ها هست را تکرار میکنند. خودشون برای خودشون یک ادبیات خاص خلق می کنند. یک سبک می خواهند از خودشون بسازند. اهل معما و لطیفه می شوند. توی این سن جوک گفتن را دوست دارند. حالا یا توی جمع همسالانشان یا برای والدین. درک احساسشون خیلی بیشتر می شود. نسبت به انتقاد بسیار حساس می شوند. شاید اگر زیر 7 سال بودند نسبت به انتقاد این قدر واکنش نشان نمی دادند. توی این سن بسیار تحت تأثیر همسالانشان قرار می گیرند.

به بازی های نمایشی مثل پانتومیم اجرا کردن، توی گروه نمایش مدرسه رفتن، توی گروه سرود مدرسه عضو شدن، به اینها خیلی علاقه مند است. توی این سن آروم آروم نیاز پیدا می کنه به اینکه یک فضای خصوصی یا حریم خصوصی یا جایی برای تنهایی خودش داشته باشد. هر چیزی که مالکیتش رو به بچه ها بدهیم اجازه و اختیارش کاملاً در اختیار آنها قرار میگیرد. تا آنجایی که میتوانیم مالکیتها رو از آنها سلب کنیم و مالکیت عمومی به بعضی چیزها بدهیم. من مادر شرعاً و اخلاقاً اجازه ی دخل و تصرف داشته باشم. یعنی اگر گفتم این اتاق مال اوست، هرگز اجازه ندارم بدون اجازه وارد اون اتاق شوم، ولی اگر بگویم آن اتاق فقط مال خوابیدن و درس خواندن ات است، هر کس بر اساس سبک زندگی خودش باید تصمیم بگیرد که انجام بدهد یا نه؛ یا مثلاً اگر بگویم این کمد خودت است پس دیگر من اجازه ندارم دست در آن کمد بکنم، پس یکی از نیازهایشان نیاز به حریم خصوصی داشتن است. اینکه ما دائم بالای سرشان باشیم و هیچ فضایی رو به آنها ندهیم اصلاً درست نیست. اینکه کلاً یک اتاق و یک کامپیوتر و یک گوشی موبایل و تبلت هم توی اتاقش بگذاریم و بگوییم همه هم برای خودت، این هم درست نیست! اما قطعاً دوست دارند یک فضایی از خانه مال خودشان باشد و مدام ما نرویم در آنجا سرک بکشیم! این کار به آنها احساس امنیت میدهد. دامنه ی خصوصی سازی مان را زیاد نکنیم. ولی اگر دادید باید به مالکیتشان احترام بگذارید هر چند که آسیبهای آن زیاد است.

محرومیتی که ما برای بچه ها در نظر می گیریم چند نکته باید در آن لحاظ شود:

1- متناسب با موضوعی باشد که بچه ها دارند انجام میدهند. 2- محدودیتی که داریم می گذاریم حتماً زمان دار باشد مثلاً یک ساعته یک روزه یا پنج روزه. 3- ما محدودیت یا محرومیت را برای چه می گذاریم؟ برای اینکه بچه ها یک مقدار دردشان بگیرد. اصلاً تنبیه یعنی درد. حواسمان باشد هم محدودیت و محرومیتی بگذاریم که شدنی باشد، قابل اجرا باشد. هم درد داشته باشد. هم متناسب باشد و هم زمان دار باشد.

نکته ی بعدی اینکه بچه ها با اولین خطایی که کردند ما آنها رو محدودشان نمی کنیم. می نشینیم با هم صحبت می کنیم. شرایط را آسان می کنیم. بعد اگر خواستیم محدود می کنیم.

اینکه مثلاً دوست فرزند من که 10 سالش است خود فرزند من هم 10 سالشه به او بچه ننه بگوید، بعد بین بچه های دیگر مسخره اش کنند برای بچه ها مهم نیست؟ حالا من بگویم قربان این پسر بچه ننه

ی خودم برم، عاشقتم. این برای او بد نیست، ولی اگر بچه ها به او بگویند بچه ننه، برایش بد است. اصلاً تأثیرپذیری از هم‌تاها و هم سن و سالان بسیار زیاد است و باید به آن دقت کنیم. برای همین می‌گوییم دوستان بچه ها رو سعی بکنیم از سنین پایین برویم خانواده هایشان را بشناسیم یک وقت هایی از دور مراقبت کنیم در انتخاب دوست کمک شان کنیم که وقتی بزرگتر شدند وقتی می‌خواهد از دوستش هم تأثیر بگیرد دوست خوبش باشد و تأثیر خوب بگیرد بگوید بیا برویم مسجد نماز اول وقت بخوانیم.